

دانش سیاسی ۲۰۱

حسین بشیریه

آموزش
دانش سیاسی

مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی

نشر نگاه معاصر

آموزش دانش سیاسی مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی

حسین بشیریه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری:

باسم‌الرساله / حروفچینی و صفحه‌آرایی: کارگاه نگاه معاصر (محسن کرمی) /

لیتوگرافی: پارسا / چاپ و صحافی: فرنو / چاپ: نهم ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه / قیمت: ۸۰۰۰ تومان

نگاه معاصر

نشر نگاه معاصر

نشانی: تهران، مینی سیتی، شهرک محلاتی، فاز ۲ مخابرات، بلوک ۱۱، واحد ۱۰

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ پست الکترونیکی: negahe_moaser@yahoo.com

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

بشیریه، حسین، ۱۳۳۲ -

آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی / حسین بشیریه. - تهران: مؤسسه

نگاه معاصر، ۱۳۸۷.

۴۷۷ ص. - (دانش سیاسی: ۲.۱)

ISBN: 964 - 7763 - 22 - 0

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

نمایه.

۱. علوم سیاسی. الف. عنوان. ب. عنوان: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی.

۳۲۰

۵۵ آ / ب / ۷۱

۱۳۸۲

۹۵۹۹ - ۸۲ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۷	بخش نخست: مبانی علم سیاست نظری
۱۹	۱. سرشت دانش سیاسی
۱۹	مفهوم علم سیاست
۲۰	شأن علمی سیاست
۲۱	سودمندی و اهمیت دانش سیاسی
۲۳	سابقه علم سیاست به مفهوم جدید
۲۵	۲. موضوعات و مفاهیم اساسی در دانش سیاسی
۲۶	دولت
۲۸	حاکمیت
۲۹	سیاست
۳۰	حکومت
۳۱	ملت
۳۲	قدرت
۳۷	قدرت دولتی و سلطه اجتماعی
۳۸	منازعه قدرت
۴۰	اقتدار
۴۲	مشروعیت

۴۳	نفوذ سیاسی
۴۵	۳. مرزهای دانش سیاسی
۴۷	فلسفه سیاسی
۴۹	انسان‌شناسی سیاسی
۵۱	روانشناسی سیاسی
۵۳	جامعه‌شناسی سیاسی
۵۴	اقتصاد سیاسی
۵۵	جمعیت‌شناسی سیاسی
۵۷	ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی
۵۸	زیست‌شناسی سیاسی
۶۱	۴. نگرش‌ها و روش‌ها در دانش سیاسی
۶۱	رفتارگرایی
۶۵	تحلیل سیستم‌ها
۶۶	نظریه تصمیم‌گیری
۷۰	نظریه مبادله
۷۱	نظریه‌های گزینش عقلانی
۷۲	نگرش گزینش عمومی
۷۳	نظریه بازبها
۷۵	مدل‌های فضایی
۷۶	نظریه ائتلاف
۷۸	نگرش سیبرنتیک
۸۰	نظریه گروه‌ها
۸۳	۵. تحول تاریخی در مفهوم سیاست
۸۴	برداشت واقع‌گرایانه یا سیاست قدرت محور
۸۵	برداشت فلسفی و اخلاقی
۸۷	برداشت حقوقی
۸۹	برداشت مدرن

۹۱	۶. پیشینه تاریخی و نظریه‌های عمومی دولت
۹۱	پیشینه تاریخی
۹۵	نظریه‌های عمومی دولت
۹۹	۷. پایه‌ها و چهره‌های دولت
۱۰۱	وجه اجبار
۱۰۲	وجه ایدئولوژی
۱۰۸	وجه عمومی
۱۱۲	وجه خصوصی
۱۱۷	پویایی نظام‌های سیاسی بر حسب پایه‌های قدرت
۱۲۱	۸. مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی
۱۲۲	محافظه‌کاری
۱۲۴	لیبرالیسم
۱۲۸	مارکسیسم
۱۳۹	سوسیالیسم اصلاح طلب
۱۴۲	آنارشیسم
۱۴۸	فاشیسم
۱۵۵	۹. نظام‌های سیاسی
۱۵۵	طبقه بندی نظام‌های سیاسی
۱۶۰	اشکال عمومی
۱۶۰	دموکراسی
۱۶۵	دموکراسی اجتماعی
۱۶۷	شبه دموکراسیها
۱۶۹	اقتدار طلبی
۱۷۱	توتالیتریزم
۱۷۴	دولت انداموار (کورپوراتیسم)
۱۷۶	اشکال خاص
۱۷۶	دولت محافظه کار

۱۷۷	دولت لیبرال
۱۷۸	دولت دموکراتیک اولیه
۱۸۰	دولت رفاهی و دموکراسی اجتماعی
۱۸۱	دولت نئولیبرال
۱۸۱	دولت فاشیست
۱۸۳	دولت کمونیستی
۱۸۵	۱۰. تحولات سیاسی
۱۸۶	اصلاحات
۱۸۸	کودتاها
۱۹۰	انتخابات
۱۹۱	انقلابات
۱۹۴	معانی انقلاب
۱۹۶	علل انقلاب
۱۹۸	علل دراز مدت انقلاب
۲۰۰	علل کوتاه مدت انقلاب
۲۰۳	برخی از انواع انقلاب
۲۰۶	مسئله خودجوشی و توطئه در انقلاب
۲۰۸	مراحل انقلاب
۲۰۸	حکومت میانه‌روها
۲۰۹	حکومت رادیکالها یا افراطیون
۲۱۱	ترمیدور
۲۱۳	۱۱. سیاست و روابط بین‌المللی
۲۱۵	سیاست خارجی
۲۲۰	برخی نگرش‌ها در سیاست خارجی
۲۲۲	صورتبندی قدرت دولتها در سطح بین‌المللی
۲۲۴	جنگ
۲۲۷	حقوق جنگ

۲۲۸	برخی از انواع جنگ
۲۳۰	برخی اقدامات جنگی
۲۳۲	برخی استراتژیهای نظامی در عصر سلاحهای هسته‌ای
۲۳۳	صلح

بخش دوم: مبانی علم سیاست تأسیسی

۲۴۱	مقدمه
۲۴۲	۱. مبانی فکری دموکراسی
۲۴۲	لیبرالیسم
۲۵۰	پراگماتیسم
۲۵۲	نسبی‌گرایی
۲۵۳	اصالت قرارداد
۲۵۷	اصالت رضایت و قبول عامه
۲۵۹	اصالت برابری (برابری مدنی)
۲۶۱	خودمختاری فرد
۲۶۲	قانون و قانونگرایی
۲۶۵	شهروندی
۲۶۸	حاکمیت مردم
۲۷۱	حقوق بشر
۲۷۵	۲. پیشگازان اندیشه دموکراسی
۲۷۹	ارسطو (۲۳۳-۳۸۴ ق.م)
۲۸۰	بنکدیت دو اسپینوزا (۱۶۷۷-۱۶۳۲)
۲۸۱	جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲)
۲۸۵	منتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹)
۲۸۷	ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲)
۲۸۹	آلکسی دو توکویل (۱۸۰۵-۱۸۵۹)
۲۹۱	توماس جفرسون (۱۸۲۶-۱۷۴۳)

۲۹۲	جیمز مادیسون (۱۸۲۶ - ۱۷۱۵)
۲۹۳	اندرو جکسون (۱۸۴۵ - ۱۷۶۷)
۲۹۴	جان استوارت میل (۱۸۷۳ - ۱۸۰۶)
۲۹۷	ویلیام جیمز (۱۹۱۰ - ۱۸۴۲)
۲۹۷	جان دیویی (۱۹۵۲ - ۱۸۵۹)
۲۹۹	هارولد لاسکی (۱۹۵۰ - ۱۸۹۳)
۳۰۰	هارولد لاسول (۱۹۷۸ - ۱۹۰۲)
۳۰۱	ژوزف شو مپیتر (۱۹۵۰ - ۱۸۸۲)
۳۰۲	رمون آرون (۱۹۸۳ - ۱۹۰۵)
۳۰۳	ایزایا برلین (۱۹۹۷ - ۱۹۰۹)
۳۰۴	موریس دوورژه
۳۰۵	کارل پوپر (۱۹۹۴ - ۱۹۰۲)
۳۰۶	رابرت دال
۳۰۷	سیمون مارتین لیپست
۳۰۸	آنتونی داوتز
۳۱۱	۳. پیشینه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دموکراسی
۳۱۲	زمینه‌های تاریخی
۳۱۸	سرمایه‌داری و دموکراسی
۳۲۰	زمینه‌های اجتماعی
۳۲۳	جامعه مدنی
۳۳۰	زمینه‌های فرهنگی و فرهنگ سیاسی
۳۳۵	شخصیت دموکراتیک
۳۳۷	۴. میانی حکومت دموکراتیک
۳۳۷	حقوق مدنی
۳۴۱	اصل نمایندگی
۳۳۲	حکومت جمهوری
۳۳۶	تفکیک قوا

۳۴۹	نظارت قوا بر یکدیگر
۳۵۱	پارلمان و پارلمان‌تاریسم
۳۵۵	ساختار پارلمان
۳۵۹	دموکراسی پارلمانی و دموکراسی ریاستی
۳۶۱	فرایند تشکیل دولت
۳۶۵	کابینه دولت
۳۶۷	تشکیل ائتلاف
۳۶۹	اشکال تصمیم‌گیری در دموکراسی‌ها
۳۷۰	مسئولیت‌پذیری حکام و مقامات سیاسی
۳۷۱	مسئولیت مقامات انتخابی
۳۷۲	مسئولیت مقامات غیرانتخابی
۳۷۵	د عملکرد دموکراسی: احزاب و انتخابات
۳۷۵	مشارکت سیاسی
۳۷۹	گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ
۳۸۲	احزاب سیاسی
۳۸۷	نظام‌های حزبی
۳۹۴	نظام‌های انتخاباتی
۳۹۹	انتخابات غیرمستقیم
۴۰۱	مبارزات انتخاباتی
۴۰۲	نظارت بر انتخابات
۴۰۵	معرفی و گزینش نامزدهای انتخاباتی
۴۰۹	افکار عمومی
۴۱۳	مراجعه به آراء عمومی
۴۱۷	انواع دموکراسی
۴۲۱	دموکراسی مستقیم
۴۲۵	دموکراسی اجتماعی
۴۲۷	دموکراسی صنعتی

۴۲۸	دموکراسی مسیحی
۴۳۱	دموکراسی‌های مبتنی بر اصل نمایندگی منافع و گروه‌ها
۴۳۲	دموکراسی چندقومی
۴۳۳	دموکراسی صنفی
۴۳۵	۷. توجیحات و نقدهای دموکراسی
۴۳۶	دفاع از دموکراسی
۴۳۷	حکومت بر خود موجه‌تر از حکومت بر دیگران است
۴۳۷	توجیه دموکراسی بر اساس برابری طبیعی انسان‌ها
۴۳۸	توجیه دموکراسی بر اساس فایده
۴۳۹	توجیه دموکراسی بر اساس مصلحت اندیشی انسان‌ها
۴۳۹	توجیه دموکراسی بر اساس پیوند دموکراسی با صلح‌طلبی
۴۴۰	توجیه دموکراسی بر اساس تضمین توسعه اقتصاد سرمایه‌داری
۴۴۰	نقدهای دموکراسی
۴۵۱	۸. گذار به دموکراسی و چشم‌انداز آینده آن
۴۵۲	امواج دموکراسی
۴۵۷	سنجش شاخص‌های دموکراسی
۴۵۹	چشم‌انداز آینده
۴۶۹	منابع
۴۷۰	نمایه اعلام
۴۷۵	نمایه مکان‌ها

مقدمه

در جوامعی که مشارکت و رقابت سیاسی در آنها گسترش می‌یابد و عامه مردم حضور فزاینده‌ای در عرصه فعالیت‌های سیاسی پیدا می‌کند، نیاز به آموزش مدنی به نحو فزاینده‌ای آشکار می‌گردد. منظور از آموزش مدنی، انتقال آگاهیها و دیدگاههایی به عامه مردم است که آنها را هر چه بیشتر برای احراز شأن شهروندی در جامعه‌ای مردم‌سالار آماده سازد. هسته اصلی آموزش مدنی را اطلاعات و آگاهیهایی تشکیل می‌دهد که در دانش سیاست گردهم می‌آیند. اگر بتوان گفت که سرشت نظام سیاسی در هر کشوری به نگرش‌های اکثریت مردم در آن بستگی دارد، در آن صورت آموزش دانش سیاسی در سطحی گسترده‌تر از مراکز علمی و دانشگاهی می‌تواند بر سرشت نظام‌های سیاسی تأثیر بگذارد. نظام‌های سیاسی مدرن از هر نوعی به پشتیبانی و نظر مثبت اکثریت مردم خود نیاز دارند و از همین رو انفعال سیاسی و اشتغال خاطر عامه مردم به مسائل مربوط به حوزه خصوصی زندگی، هم شأن شهروندی به عنوان فضیلتی مدنی و

سیاسی را تضعیف می‌کند، و هم از گسترش حوزه عمومی زندگی جلوگیری می‌نماید. آموزش مدنی و سیاسی ممکن است با دادن آگاهیهای لازم از گسترش چنین وضعی جلوگیری کند. حتی وقتی اکثریت مردم حضور و فعالیت سیاسی پیدا می‌کنند، نیاز به آموزش مدنی و سیاسی همچنان ادامه می‌یابد و چه بسا شدیدتر هم می‌شود؛ زیرا اکثریت‌های سیاسی و فکری، گاه تمایل به نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها پیدا می‌کنند و به گفته برخی منتقدین، استبداد اکثریت کم از استبداد اقلیت نیست. بنابراین هدف آموزش مدنی آن است که مردم را برای حضور در زندگی سیاسی به شیوه‌ای دموکراتیک تربیت کند.

از سوی دیگر، در دولت‌های مدرن، سیاستمداران نیز نیازمند آموزش سیاسی هستند. امروزه سیاستمداری، حرفه خاصی به شمار نمی‌رود و نیازمند کارشناسی و تخصص نیست، بلکه در دموکراسیهای امروز، عامه مردم با احراز حداقل شرایط حق دارند به پارلمانها و از آنجا به درون دولت‌ها راه یابند. با این حال قانونگذاری، وضع سیاست‌ها، و تصمیم‌گیری در عرضه سیاست نیازمند برخی آگاهیهای کارشناسانه است؛ پس توفیق در کسب مناصب سیاسی به معنی بی‌نیازی از آموزش در دانش سیاسی نیست، بویژه آنکه دولت‌های مدرن نهادها و ساختارهای پیچیده‌ای دارند و اداره آنها کار ساده‌ای نیست. بعلاوه آموزش مدنی برای سیاستمداران لازم است، تا دریابند که سیاست و حکومت حرفه‌ای صرفاً خصوصی نیست که در آن تنها منافع و مصالح حکام در نظر گرفته شود، بلکه سیاستمداران واقعی باید بتوانند مصالح عموم را نیز در نظر بگیرند و

از اراده عمومی برخوردار باشند.

بنابر آنچه گفته شد، هدف آموزش مدنی، هم نظری و علمی و هم اخلاقی است و در آن هم شهروندان و هم سیاستمداران مورد نظر هستند. امروزه هدف نهایی از آموزش دانش سیاسی در سطح عمومی، هم پرورش شهروندان برای زندگی مدنی و سیاسی و هم آموزش سیاستمداران در انجام کارویژه‌های خود به بهترین شیوه ممکن باید باشد. در عصر جدید سیاست دیگر به درون دیوارهای کاخ‌ها و دژهای حکومتی محدود نیست، بلکه جزئی از زندگی عمومی شده است؛ از این رو آموزش مدنی و سیاسی شهروندان و به ویژه جوانان به آنها امکان می‌دهد تا خود را برای تأمل درباره مسائل و سیاست‌های عمومی و مشارکت در حل آنها، آماده سازند.

در نگارش کتاب حاضر چنین اهدافی در نظر بوده است؛ به نظر می‌رسد که با گسترش مشارکت و رقابت سیاسی در ایران، آموزش دانش سیاسی دست کم به یکی از نیازهای عمومی دانشجویان و حتی دانش‌آموزان تبدیل شود.



از یک چشم‌انداز کلی می‌توان علم سیاست را به دو حوزه اصلی تقسیم کرد: یکی علم سیاست نظری یا "طبیعی" و دوم علم سیاست "عملی" یا "تأسیسی". علم سیاست نظری یا طبیعی، مجموعه مطالبات تاریخی، جامعه‌شناسانه، روانشناسانه و انسانشناسانه درباره رفتارهای طبیعی انسان در حوزه سیاست، انگیزه‌های رفتار سیاسی،

شیوه شکل‌گیری انواع سلطه‌های طبیعی از جمله غلبه اقوام بر یکدیگر، سلطه جباران و خودکامگان بر اتباع منفعل، غلبه گروه‌های مسلط اقتصادی، قومی، نژادی و غیره بر سایر گروه‌ها، سلطه دولتهای قوی‌تر بر دولتهای ضعیف‌تر، و هر وجه دیگری از سلطه است که در "طبیعت" جامعه و سیاست ممکن باشد.

اما علم سیاست عملی یا تأسیسی همان مطالعات کلی و تاریخی درباره هر نوع نظام سیاسی طبیعی و رفتار سلطه جویانه نیست، بلکه دانش دقیق‌تری درباره چگونگی ایجاد ثبات سیاسی، تنظیم روابط بین دولت و شهروندان، حدود اختیارات و حقوق و تکالیف آنها، چگونگی تبدیل خواسته‌های عمومی به سیاست‌های عمومی، چگونگی تضمین مشروعیت نظام‌های سیاسی، تنظیم روابط جامعه مدنی و دولت، رابطه قوای حکومتی، جلوگیری از تمرکز قدرت و فساد و زوال سیاسی، چگونگی تبدیل مجامع گسترده‌ای مانند پارلمان‌ها به سازمان‌های تصمیم‌گیر، چگونگی ایجاد ائتلاف‌های سیاسی پایدار، شیوه کاهش در شکاف‌های سیاسی و اجتماعی و ایجاد وفاق و همبستگی در سطح واحد سیاسی، شیوه ایفای مهم‌ترین کار ویژه‌های حکومتی، بهترین شیوه اداره امور عمومی و نظیر اینهاست.

آن چه در ذیل عنوان علم سیاست عملی و تأسیسی ممکن است بیاوریم، همان مطالبی است که معمولاً در ذیل مبحث نظام دموکراسی مطالعه می‌شود. "علم دقیق" سیاست به این معنا در مقابل علم کلی‌تر سیاست به مفهوم طبیعی و نظری آن قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که برای سودمندتر کردن مطالعات سیاسی در ایران می‌باید

در تدریس این رشته این تفکیک در نظر گرفته شود. باید جز مقدمات لازم، بخش عمده آن چه علم سیاست به عنوان علم طبیعی مطرح می شود، همراه با ابعاد فلسفی، تاریخی و جامعه‌شناسانه آن، از دوره کارشناسی حذف شود و برای مطالعات تخصصی تر و ذوقی تر منظور گردد. در مقابل علم عملی و تأسیسی که در همان محدوده مطالعه نظام دموکراسی می‌گنجد و همان علم نظام دموکراسی است، به عنوان چارچوب اصلی مطالعات کارشناسی پذیرفته شود.

هم چنان که تبخیر در فلسفه حقوق، جامعه‌شناسی حقوق و تاریخ حقوق لازمه مطالعات کارشناسانه در آن رشته نیست، علم سیاست نیز باید حوزه اصلی مطالعات خود را از دست‌اندازی‌های مطالعات فلسفی، جامعه‌شناسانه و تاریخی برهاند. چنان‌که گفتیم این حوزه با حوزه مطالعات دموکراسی، کم و بیش یکسان شده است؛ زیرا نه تنها اصول و قواعد دموکراسی در همه جا به عنوان اصول و قواعد سیاست پذیرفته شده است، بلکه دموکراسی به عنوان نظام یا چارچوب قدرت روابط بالقوه نامتعیّن و پراکنده و بی‌شکل حوزه زندگی سیاسی را در گفتمان خاصی تعین و عینیت می‌بخشد و به عنوان موضوع شناخت عرضه می‌دارد. تفاوت میان این دو نوع علم سیاست نظری یا طبیعی (همچون علم شیمی) با کل جهان طبیعی سیاست سر و کار دارد؛ در مقابل علم سیاست تأسیسی (همچون داروسازی) با بهره‌گیری از دانش عمومی نسبت به جهان طبیعی سیاست، به حفظ ثبات و سلامت پیکره سیاسی و تنظیم روابط دولت با شهروندان می‌اندیشد. بر همین اساس کتاب حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول مباحث اساسی علم سیاست

نظری را مطرح کرده‌ایم و در بخش دوم مبانی علم سیاست تأسیسی را به عنوان علم نظام دموکراسی شرح داده‌ایم.

www.ketab.ir